خبر

عهد جامعه ورزش با رهبر انقلاب

سربازان ایران در جنگ نرم خواهیم بود

جامعــه ورزش و جوانان در پیامی ضمن قدردانی از فرصت گرانقدر حضور مجدد محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از بیانات روشنگرانه ایشان، عهدی دوباره با ملت ایران و رهبر فرزانه بست.

به گزارش تســنیم به نقل از پایگاه خبری ورزش و جوانان، متن پیام به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جامعــه ورزش و جوانان مراتب ســپاس و قدردانی صمیمانــه خود را از توجه و اهتمام ارزشــمند حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی نسبت به قهرمانان و نخبگان ورزشی و علمی ابراز می‌دارد.

بــار دیگر فرصتی ناب فراهم آمــد تا جامعه ورزش و جوانان در محضر ولی امر مســلمین جهان، شنونده بیاناتی عمیق، روشن‌کننده و راهگشا باشد؛ بیاناتی که از سرِ اعتقاد به خداوند متعال و اعتماد به عزت و اقتدار ایران اسلامی بیان شد و جهت‌گیری دقیقی نسبت به توانمندیِ ورزشکاران، قهرمانان و نخبگان علمی ترسیم کرد.

پیــام معظم‌له تأییدی بود بر مســیر تلاش، تعهد و مسؤولیت‌پذیری؛ راهنمایی که جامعه ورزش و جوانان آن را سرمایه‌ای ارزشمند و چراغ راه خود می‌داند.

اهمیت بیانات ارزشمند رهبر معظم انقلاب، جامعه ورزش و جوانــان را بــا اتکا به آن رهنمودها، قاطع‌تر از همیشــه در مسیر «ورزش قوی» و «ایران قوی» سوق می‌دهد.

ما ورزشکاران، با توکل بر خداوند متعال، به پشتوانه اندیشه‌های حمایتی رهبر معظم انقلاب و با تکیه بر توانِ جوان ایرانی، متعهد می‌شویم قدرِ این سرمایه معنوی را بدانیم و در این «جنگ نرم» با همتِ افزون‌تر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر، زیر پرچم ایرانِ عزیز، با عزت و اقتدار همچون سربازان وطن، افتخارآفرینی کنیم و همچنان دل ملت را شاد کنیم.

جامعــه ورزش و جوانان ایمان دارد ورزشــکاران و جوانان کشــور، پرچمداران شرف و مقاومت ملت ایران در عرصه‌های رقابتی خواهند بود و با توانِ بیشتر و عزم راسخ، نام ایران را فراتر از مرزها، سربلند و پرافتخار نگاه خواهند داشت».

گزارش

هافبک ایرانی میان رؤیای اروپا و تعهد روسی

دوراهی حسین‌نژاد

سعیدغلامحسینی

در فوتبال، لحظه‌ای می‌رسد که زمین تمرین دیگر برایت کوچک می‌شود. محمدجواد حســین‌نژاد حالا در همان نقطه ایســتاده است؛ جایی میان آرزوی پرواز به اروپا و دلبستگی به شرقی‌ترین شهر لیگ روسیه.

در ماخاچ‌قلعه، جایی میان کوه و دریا، او در یک سال گذشته به ستاره‌ای بدل شد که نامش از محافل محلی فراتر رفت. در چهل‌وچند مسابقه، ۵ بار دروازه‌ها را گشود و ۶ بار دیگر با پاس‌هایش شــادی را تقسیم کرد. حالا اما خبرهایی از غرب قاره رسیده؛ از سویا، ولورهمپتون و فولام. ۳ باشگاه نسبتا مطرح، هر یک با تاریخ و سبک متفاوت، چشم به پسر ایرانی دوخته‌اند که در روسیه آرام و بی‌هیاهو رشد کرده است.

سرمربی دینامو، مردی به نام بیجی‌یف، در نشست خبــری اخیرش لبخند زد و گفــت: «او می‌تواند تا قله برود اما هنوز زمان رفتن نرسیده». جمله‌ای که بیشتر شبیه خواهش بود تا پیش‌بینی. بیجی‌یف می‌داند رفتن حسین‌نژاد یعنی شکستن ریتم تیمی که با زحمت ساخته است اما می‌داند همزمان، هیچ دروازه‌ای نمی‌تواند برای همیشه بسته بماند.

مدیر باشگاه، گازیزف، حرفش را محکم‌تر زده: «قرارداد او تا تابستان ۲۰۲۷ اعتبار دارد. فعلاً بازیکن ما است». جمله‌ای که بوی سیاســت می‌دهد؛ نه نفی، نه تأیید. چون در فوتبال امروز، همه چیز با یک پیشــنهاد بهتر تغییر می‌کند.

از اسپانیا شنیده می‌شود سویا در حال جوان‌سازی ترکیب خود است و چشم به بازیکنان تکنیکی با قیمت معقول دارد. از انگلســتان نیز زمزمه‌هایی هســت که ولورهمپتون و فولام هر ۲ در پی یافتن هافبکی پویا و چندپسته‌اند. حسین‌نژاد، با قدرت حمل توپ، دوندگی بی‌وقفه و ذهن تاکتیکی‌اش، می‌تواند همان گمشده‌ای باشد که در لیگ جزیره دنبالش می‌گردند.

اما برای خود او، داســتان فقط فوتبال نیست. او در ماخاچ‌قلعه احترام و جایگاه دارد؛ شهری که هوادارانش مثل خانواده با بازیکنان رفتار می‌کنند. هنوز هر بار که گل می‌زند، پرچم ایران را در دست می‌گیرد و به آسمان نگاه می‌کند؛ شاید به امید روزی که در لیگ‌های اروپایی نیز این حرکت را تکرار کند.

فصل گذشته، در میان تیمی که تنها در میانه جدول ماند، او درخشــش خاصی داشت. ۳ گل، ۵ پاس‌گل و آماری که فراتر از نتایج تیم بود. همین اعداد کافی بود تا دیده شود. حالا اما سرنوشتش در دست مدیران است؛ یکــی با رؤیای فروش پرســود، دیگری با امید خریدی هوشمندانه.

فوتبال مدرن بی‌رحم اســت؛ گاهی لحظه‌ای غفلت باعث می‌شود بازیکن از پنجره نقل‌وانتقال‌ها بیرون بماند. حسین‌نژاد جوان هنوز ۲۴ سال دارد و مسیرش باز است. پرسش این است: آیا امسال زمان پرواز است یا باید چند ماه دیگر صبر کند تا بال‌هایش محکم‌تر شود؟

در روســیه، ســرمربی‌اش هنوز باور دارد او با دینامو کامل‌تر می‌شــود. در اســپانیا، مدیر ورزشی سویا او را «ســرمایه‌ای خام» توصیف کرده. در انگلستان، ناظران وولوز و فولام بازی‌هایش را فریم‌به‌فریم تماشا کرده‌اند. همه منتظرند تا یکی از این درها باز شود.

و شاید همین بلاتکلیفی، نشانه بزرگ شدن او باشد؛ نشانه اینکه محمدجواد حسین‌نژاد دیگر فقط یک بازیکن در لیگ روســیه نیســت، بلکه نامی است که در دفتر نقل‌وانتقال‌های اروپا ثبت شده؛ نامی میان رؤیا و واقعیت.

پرسپولیس با ۳ هدف بزرگ به دنبال احیای خود

نجات با خرید

مهدی مرسلی

انگار تاریخ دوباره قصد تکرار دارد. تیمی که همیشــه در بحران‌ها خــودش را از نو ســاخته، حالا در نقطه‌ای ایســتاده که یا باید برخیزد یا فروبرود. پرسپولیس با نیمکتی متزلزل، مدیری موقت و بازیکنانی که هنوز با هم حرف مشترک پیدا نکرده‌اند، وارد مقطع حساســی از فصل شده اســت. مدیران باشگاه هنوز درگیــر تصمیم‌گیری درباره نیمکتند امــا در اردو، صدای چمدان‌های نقل‌وانتقال زمستانی از حالا به گوش می‌رسد.

وحید هاشــمیان، مردی که در میانه آشــوب جانشین کارتال شد، در ظاهر هنوز روی نیمکت است اما در درون، آینــده‌اش روی لبــه تیغ قرار دارد. با این حال، او تســلیم نشــده و برای نیم‌فصل برنامه نوشته است؛ برنامه‌ای که از قضا با فهرستی شــامل چند نام بزرگ و چهره خاطره‌ساز آغاز می‌شود.

در جلســه‌ای که میان او و مدیر ورزشــی باشگاه برگزار شد، هاشمیان به صراحت گفت پرسپولیس «تعادل ندارد». منظورش این بود که ترکیب تیم در برخی پســت‌ها پر از بازیکن اســت و در بعضی دیگر تهی. او از همان شــب اول حضورش در باشــگاه، بارها به این ناهماهنگی اشاره کرده بود؛ حرفی که حالا خودش در رســانه ملی تکرار کرد و به وضوح نشان داد بی‌پرده می‌گوید چه می‌خواهد.

پرسپولیس تابستان ۶ خرید داشت اما نه آنهایی که تیم را تغییر بدهند. سپس در پی انتخاب هاشمیان به سرمربیگری، مارکو باکیچ، سرژ اوریه و حسین ابرقویی با نظر وی آمدند، چند بازیکن دیگر هم رفتند ولی اســکلت اصلی تیم همان ماند. شاید به همین دلیل است که سرمربی سرخ‌ها احساس می‌کند هنوز در خط دفاع و حمله، خلأهایی وجود دارد که بدون ۳ خرید جدید پر نخواهد شد.

بر اساس برنامه ارائه‌شده، ۳ نقطه زمین زیر ذره‌بین قرار گرفتــه: دفاع چپ، بال کنــاری و نوک حمله. جالب اینکه دقیقا در همان پست‌ها ۲ سال پیش پرسپولیس در نیم‌فصل دست به خریدهایی زد که ورق را برگرداندند. آن زمستان، قرمزها اوستون ارونوف، عبدالکریم حسن و عیسی آل‌کثیر را گرفتند و با همان‌ها در مسیر قهرمانی گام برداشتند. حالا هم دوباره حرف از ۳ امضاســت؛ شاید تکرار همان فرمول قدیمی با ۳ بازیکن دیگر.

فصل بیست‌وسوم، ارونوف معجزه پرسپولیس شد. ۷ گل در نیم‌فصل، پاس‌های دقیق و انرژی غیرقابل مهارش باعث شــد حتی سرمربی وقت تیم، اوسمار ویرا، بیش از همیشه مورد توجه قرار گیرد. آن نیم‌فصل برای پرســپولیس حکم شــوک قهرمانی داشت. حالا زمزمه بازگشت همان مربی و جذب ۳ مهره تازه، حال‌وهوای مشــابهی را در باشگاه زنده کرده است.

در فهرست فعلی، ۲ نام آشنا به چشم می‌خورد: شهریار مغانلو و علی قلی‌زاده. هر ۲ بازیکن فصل را در خارج از ایران آغاز کردند اما هنوز ارتباط‌شان با فوتبال ایران قطع نشده است. مذاکرات تابســتانی با باشگاه‌های‌شان ــ لخ پوزنان لهستان و اتحاد کلبای امارات ــ بی‌نتیجه ماند اما حالا شرایط فرق کرده است. قرارداد هر دو رو به پایان اســت و تیم‌های‌شان هم تمایل چندانــی برای نگه داشتن‌شــان ندارند. این یعنی راه برای بازگشت‌شــان بــه ایران باز اســت، آن هــم در زمانی که پرســپولیس بیش از همیشــه به بازیکنانی در ســطح آنها نیاز دارد.

مغانلو، مهاجمی که پیش‌تر در نیم‌فصل لیگ بیستم به پرســپولیس آمد و همان‌جا مهر قهرمانی بر شــانه تیم زد، حالا دوبــاره می‌تواند همان نقش را تکــرار کند. او قدرت تمام‌کنندگی دارد، با فضای تیم آشناست و از نظر شخصیتی، یکی از معدود بازیکنانی اســت که زیر فشار خم نمی‌شود. قلی‌زاده هم با تکنیک بالا و ذهن تاکتیکی‌اش می‌تواند همان وینگری باشد که هاشمیان دنبالش است؛ کسی که بتواند نظم و نبوغ را در یک قاب جمع کند.

در کنار این دو، گزینه ســوم هنوز در سایه است. گفته می‌شود نام یک مدافع چپ خارجی در بالای فهرست نوشته شده، مدافعی که بتواند بازی‌سازی از عقب را هم انجام دهد؛ چیزی که در تیم فعلی بشدت کم‌رنگ است. منابع نزدیک به باشگاه از مذاکرات با چند نماینده خبــر داده‌انــد و حتی برخی رســانه‌های ترکیــه‌ای از علاقه پرســپولیس به یک مدافع بوسنیایی سخن گفته‌اند.

اما ســؤال بزرگ این اســت: آیا اصلاً وحید هاشمیان تا زمســتان در پرسپولیس خواهد ماند؟ در محافل مدیریتی باشگاه، هنوز احتمال بازگشت اوسمار ویرا به عنوان گزینه جایگزین مطرح اســت. از سوی دیگر، برخی مدیران فعلی بر این باورند حتی در صورت تغییر سرمربی، مسیر خریدها باید ادامه یابد، چرا که کمبود در این پست‌ها «بدیهی» است و ربطی به فلسفه مربی ندارد.

در واقع، باشــگاه این بار تصمیم دارد برخلاف گذشته، پیش‌دســتی کند. نه اینکه تا آمدن مربی تازه همه چیز را معطل نگاه دارد. پرسپولیس می‌خواهد همزمان با مذاکره برای نیمکت، ســراغ بازار هم برود. این اســتراتژی شــاید پرریســک به نظر برسد اما در بازاری که هر ساعت قیمت بازیکن بالا می‌رود، شاید تنها راه نجات باشد.

از نگاه هواداران نیز خرید این ۳ بازیکن، حکم بازگشت انگیزه و روح رقابت به تیم را دارد.

آنها در فضای مجازی، از قلی‌زاده به عنوان «پسر گمشده خط حمله» یاد می‌کنند و مغانلو را «قاتل قدیمی» می‌دانند. در پست‌های هواداری بارها نوشته شده: «۳ خرید، ۳ پله تا قهرمانی». چنین ذهنیتی، اگرچه احساسی است اما نشان می‌دهد مردم هنوز به تاثیر تغییر امیدوارند.

پرســپولیس در مسیر بازســازی خود، بیش از هر زمان دیگری میان گذشــته و آینده ســرگردان است؛ از یک سو خاطــرات نیم‌فصل‌های طلایی و قهرمانی‌های ناگهانی و از سوی دیگر ترس از تکرار اشتباهات مدیریتی. شاید این‌بار همه چیز به زمان بســتگی دارد؛ اگر باشگاه بتواند پیش از آنکه نیمکتش خالی شود، خریدهایش را قطعی کند، ممکن اســت دوباره قصه‌ای بنویسد که از زمستان آغاز می‌شود و به تابستانی سرخ ختم.

امــا اگر تأخیر، دودلی و اختلاف در تصمیم‌گیری ادامه پیدا کند، شاید همان تاریخ که قرار بود تکرار شود، این‌بار شــکل دیگری از خود نشــان دهد؛ تکراری نه از قهرمانی، بلکه از حسرت.

درخشش فرنگی‌کاران امید در بلگراد

۲ طلای برق‌آسا

در نخستین شب نبردهای فینال رقابت‌های جهانی زیر ۲۳ ســال، سالن مرکزی بلگراد صحنه تکرار یک حقیقت قدیمی بود؛ حقیقتی که می‌گوید «فرنگی‌کار ایرانی اگر آماده باشــد، هیچ حریفی تاب نگاهش را هم ندارد». تیم ملی کشتی فرنگی امید ایران، هنوز چمدان‌هایش را به‌درستی باز نکرده بود که ۲ ســتاره‌اش با ۲ طلای خیره‌کننده، پرچم کشور را بالا بردند و فریاد شادی را در صربستان طنین‌انداز کردند.

از همان لحظه ورود کاروان ایران، نگاه‌ها روی ۲ نفر قفل شده بود؛ غلامرضا فرخی، مردی که از شیراز برخاست و بی‌سروصدا از پله‌های پایین به بلندترین سکوی جهان رسید و فردین هدایتی، غول آملی که تشک را به زمین بازی خودش تبدیل می‌کند. اتحادیه جهانی کشتی هم بی‌دلیل نام این دو را در جمع ۶ چهره شاخص رقابت‌ها نیاورده بود. رنگرز، سرمربی تیم، پیش از آغاز مسابقات به نزدیکانش گفته بود: «اگر غلامرضا و فردین طلا بگیرند، بقیه مسیر خودشان را پیدا می‌کنند» و همان هم شد.

■ طلای اول؛ مردی که دیر آمد اما درخشید

فرخی از آن دسته کشتی‌گیرهایی است که مسیرش نه از تیم‌های پایه، بلکه از رقابت‌های بزرگسالان آغاز شد. کسی در اردوهای نوجوانان و جوانان نامی از او نشنیده بود. دیر رسید اما وقتی رسید، همه را کنار زد. در زاگرب بود که برای نخستین بار نبوغش آشــکار شد؛ کشتی‌گیری با قدرت بدنی کم‌نظیر، آرامش ذهنی یک استاد و اجرای فنونی که نشان کلاسیک‌ترین نسخه‌های فرنگی جهان را داشت.

او در بلگراد نیز همان مســیر را ادامه داد. از همان کشــتی نخست، هیچ‌کس توان مقابله با او را نداشت. ۴ حریف از ۴ کشور مختلف – جمهوری باکو، ازبکستان، ایتالیا و آمریکا – یکی پس از دیگری مغلوبش شدند، بی‌آنکه بتوانند حتی فرصت تنفس پیدا کنند.

در فینال، نوبت به کشتی‌گیر اوکراینی رسید؛ رقیبی که بیشتر شبیه قربانی آمده بود تا چالش جدی. تنها ۳ دقیقه طول کشید تا فرخی با ترکیبی از فنون خاک و بارانداز، نتیجه‌ای باورنکردنــی را رقم بزند: ۱۰ بر صفر. حتی داور وسط هم پس از سوت پایان، لبخند زد؛ لبخندی از جنس تحسین.

فرخــی در ۵ مبــارزه خود، ۴۴ امتیــاز گرفت و فقط یک امتیاز از دست داد؛ آماری که در ادبیات کشتی معادل «سلطه مطلق» است. وقتی مدال طلایش را گرفت، سالن به احترام ایستاد و تماشاگران خارجی، بی‌آنکه زبانش را بدانند، نامش را فریاد می‌زدند.

■ طــلای دوم؛ ســنگین‌وزنی با ظرافت سبک‌وزن‌ها

سپس نوبت به فردین رسید؛ مردی که در ظاهر قرار است کشتی‌گیر فوق‌سنگین باشد اما وقتی روی تشک می‌آید، حرکات کشتی‌گیران سبک‌وزن را اجرا می‌کند. او همان کســی اســت که کارشناســان اروپایی بعد از دیدن مبارزاتش گفتند: «این پسر اگر در وزن‌های پایین‌تر بود، شاید نابغه قرن می‌شد».

هدایتی سال گذشته هم قهرمان امیدهای جهان شده بود و حالا آمده بود تاج طلایی‌اش را حفظ کند. چهره‌اش هنگام ورود به سالن هیچ نشانی از استرس نداشت. لبخند می‌زد، مثل کسی که از قبل نتیجه را می‌داند. در ۴ مسابقه‌اش، ۳۰ امتیاز گرفت و حتی یک امتیاز هم واگذار نکرد.

در دیدار نهایی، رازمیک کوردیان از ارمنستان تنها ۳ دقیقه دوام آورد. چنــد بارانداز، ۲ خاک و بعد پایان. تابلوی امتیازات، ۸ بر صفر را نشان می‌داد و رنگرز از کنار تشک دست‌هایش را بالا گرفته بود. فردین همان‌قدر سریع برد که غلامرضا و حالا ۲ طلای درخشان در فاصله چند دقیقه روی سینه ۲ فرنگی‌کار ایرانی نشسته بود.

■ شروع توفانی برای تیمی تشنه افتخار

شب اول فینال‌ها با این ۲ مدال طلا برای ایران بسته شد؛ شــبی که کارشناسان خارجی آن را «بازگشت ایران به دوران طلایی کشتی فرنگی» توصیف کردند. تیم امید ایران حالا نه‌تنها از نظر امتیاز در مسیر قهرمانی قرار گرفته، بلکه از نظر روحی نیز به اوج اعتماد به نفس رسیده است.

ماجرای بی‌سرانجام انتخاب مربی خارجی برای تیم ملی فوتبال

گران ولی بی‌مدرک

علی دارابی

تازه‌ترین پــرده از ماجرای جذب دســتیار خارجی برای تیم ملی فوتبال ایــران، روایتگر تصمیمی است که نه از سر بی‌میلی، بلکه از دل یک الزام حرفه‌ای گرفته شد؛ تصمیمی که در سکوت خبری، امیر قلعه‌نویی را واداشــت دوباره در جست‌وجوی یار تازه‌ای برای نیمکت ملی باشد.

ماجرا از آنجا آغاز شد که سرمربی تیم ملی، پس از بررسی چند گزینه، نام مربی‌ای ایتالیایی را به فدراسیون معرفی کرد؛ مردی با ســابقه همکاری با باشگاه‌های مطرح اروپا که ظاهراً قرار بود نگاه تازه‌ای به تمرینات تیم ملی بیاورد. او چندی پیش حتی به دوبی سفر کرد، در جلسات فنی حضور یافت و به نظر می‌رسید پیوستنش به کادر فنی قطعی است اما درست در لحظه‌ای که همه منتظر امضای نهایی بودند، ورق برگشت.

در بررســی‌های دقیق‌تر، بخش حقوقی و کمیته آموزش فدراسیون متوجه شدند این مربی گواهی‌نامه سطح حرفه‌ای (Pro License) ندارد؛ همان مدرکی که در ساختار فوتبال بین‌المللی، شرط اساسی برای نشستن روی نیمکت تیم‌های ملی و باشگاه‌های تراز اول به شمار می‌رود. همین نکته ساده، مسیر همکاری را از ریشه تغییر داد.

در نگاه نخست، شاید این مساله بی‌اهمیت به نظر برسد اما واقعیت آن است که فدراسیون در سال‌های اخیر بارها به خاطر نادیده گرفتن همین جزئیات، با اعتراض فیفا و کنفدراسیون آســیا روبه‌رو شــده بود. حالا تصمیم‌گیــران ترجیح دادند به جای تکرار اشــتباه، مسیر ســخت‌تر اما مطمئن‌تری را انتخاب کنند.

از ســوی دیگر، پیشنهاد مالی ارائه‌شده برای این مربی رقم چشمگیری بود؛ مبلغی که با توجه به شرایط اقتصادی فدراسیون و محدودیت منابع ارزی، تنها در صورتی قابل توجیه بود که طرف مقابل تمام معیارهای حرفه‌ای را داشته باشد. وقتی مشخص شد چنین نیست، استدلال اقتصادی و فنی هر دو علیه ادامه مذاکره قرار گرفت.

منابع نزدیک به فدراسیون می‌گویند در جریان مذاکرات نهایی، مدیران بخش بین‌الملل با صراحت اعلام کردند بدون ارائه مدرک رسمی، امکان صدور مجوز کار برای این مربی وجود ندارد. به همین دلیل پرونده جذب او، پیش از امضا، بسته شد.

قلعه‌نویی که در ماه‌های اخیر بارها از ضرورت حضور یک دســتیار خارجی سخن گفته بود، حالا در موقعیتی تازه قرار گرفته است. او نه‌تنها باید دوباره فهرست جدیدی از گزینه‌ها تهیه کند، بلکه باید فردی را برگزیند که هم از لحاظ دانش روز و هم از نظر مدارک بین‌المللی واجد شرایط باشد. فدراسیون نیز در پاسخ به این شرایط، از او خواسته نام چند گزینه تازه را معرفی کند تا روند ارزیابی از سر گرفته شود.

جالب آنکه مربی ایتالیایی مــورد نظر، پــس از ناکامی در رســیدن به نیمکت تیم ملی ایران، بلافاصله چمدان خود را بســت و به کشورش بازگشت. او خیلی زود با یکی از باشــگاه‌های قدیمی سری B وارد مذاکره شــد و ظرف چند روز قرارداد همکاری‌اش را نهایی کرد. با این حال، در فهرست رسمی باشگاه، نام او در رده «دستیار اصلی» دیده نمی‌شود و بیشتر نقش هماهنگ‌کننده فنی را دارد؛ نقشی که در عمل اهمیتش از یک دستیار معمولی بسیار بیشتر است.

با گذشت چند هفته از این ماجرا، فضای اطراف تیم ملی همچنان در انتظار انتخاب چهره‌ای تازه برای نیمکت اســت. سرمربی تیم ملی بر این باور است حضور یک مربی خارجی کارآزموده، می‌تواند در تحلیل‌های تاکتیکی و به روزرســانی متد تمرین‌ها مؤثر باشد اما فدراسیون تأکید دارد هر همکاری بین‌المللی باید در چارچوب ضوابط رسمی و قابل دفاع انجام شود.

به نظر می‌رســد آنچه در ظاهر اختلاف‌نظر میان ۲ طرف تعبیر شــده، در واقع نوعی توازن میان جاه‌طلبی ورزشــی و واقعیت‌های اداری اســت. فدراســیون نمی‌خواهد به خاطر نادیده گرفتن یک بند آیین‌نامه، بعدها زیر تیغ انتقاد نهادهای نظارتی قرار گیرد. از ســوی دیگر، قلعه‌نویی نیز مایل نیست فرصت آماده‌ســازی تیم ملی برای رقابت‌های بزرگ پیش رو را از دست بدهد.

این وضعیت، نمونه‌ای از همان تضاد دیرینه در فوتبال ایران است: میان آرزوهای بزرگ و سازوکارهای بروکراتیک. بسیاری از کارشناسان معتقدند اگرچه انتخاب یک دستیار خارجی می‌تواند به ارتقای سطح فنی کمک کند اما وقتی زیرساخت قانونی یا مدارک لازم فراهم نباشد، چنین تصمیمی نه‌تنها سودی ندارد بلکه می‌تواند دردسرساز شود.

در نهایت، ماجرای مربی ایتالیایی پیش از آنکه آغاز شود، پایان یافت. نه درگیری رسانه‌ای رخ داد و نه بیانیه‌ای صادر شد. همه چیز در سکوت به پایان رسید؛ سکوتی که تنها یک پیام در خود داشــت: فدراسیون این بار می‌خواهد قواعد را رعایت کند، حتی اگر نتیجه‌اش عقب‌نشینی موقت باشد.

اکنــون همه نگاه‌ها به آینده دوخته شــده. آیا قلعه‌نویی گزینه‌ای تازه و درخور پیدا خواهد کرد؟ آیا فدراسیون در مرحله بعد، انعطاف بیشتری به خرج می‌دهد؟ یا باز هم موانع اداری و مالی، مسیر را بر حضور مربیان خارجی می‌بندد؟

پاســخ هرچه باشد، یک واقعیت تغییر نمی‌کند: نیمکت تیم ملی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تعادل میان دانش فنی و انضباط مدیریتی است. فوتبالی که سودای موفقیت در جام‌جهانی ۲۰۲۶ را دارد، نمی‌تواند با بی‌برنامگی یا انتخاب‌های احساسی پیش برود. شاید راز این نیمکت خالی، دقیقاً در همین پافشاری بر اصول نهفته باشد.